

۱. زیاد خواندن کتبها نوعیت کار ساز نیست. باید از روی یادگیری، نگه گرفته شده
به یک چیز تمرکز کنیم.

۲. طبق قانون جذب کبریا، اگر کسی در مورد خانوادهاش را باید حذف کنیم.

۳. تصور خود بنویسید یک فعالیت توی س که شبیه به خودش باشد می کند. این نوع مرجع را باید حفظ بسیار
و احساس کند (بیدار، گفتار و کردار)

زمانی که نمی باشد به این جذب می شود و در تصور زندگی، تجلی می یابد مثل دیدن و ندی

و نورفت، دوس هام، زیبایی، نور در عین ارشد، عاشقی که برانم، دوستی، برادری، شریک خانوادها، انکار

باید حذف کنیم چیزهای که می خوانیم از کتاب

آنچه که در گذشتیم برای آنکه می شود در صحنه زندگی

این قانون گفته Pause ندارد و در زمان خواب هم روی آخرین انکار کاری کند.

این روند همیشه در خلق کردن است.

همه داره بیا به چه تمرکز می کنی

جواب در مدت خیلی کوتاه دیده می شود.

نوز می بینیم که اینها تمام در همین زمینه.

کله همیشه باید احساس خوب داشته باشیم.

زینده

جمع کل / برنامه (نه ارفقی) TV / (نه ارفقی) / (نه ارفقی)

از فقط اورا نمی بینید عمل می کنند فارغ از تحقیق

pause ندارم

این تا آخر خواب در نظر غالب و نظر من از خواب در نظر لغو و عمل می کند

امتیازات جدیدی به به عنوان یک کلمه من لغو و لغو می آید

انفعا غلب خود را گامها تیزر کند بستند.

مجهز لاش فطامیس - خود را تیزر کنسیم (بر همین است جهوش لاش تیزر می کند)

از محمد الی  را خداوند خودش درست می کند

بدون درک رنر ذهن چینی را نمی شود از آن خود کرد.

دنیا ی خود را خلق می کند.

انفار ←
مقتله لانه بر آفرینش افانه می شود.

تسیم دکل قدر محمد فطامیس.

در صورت راه انفارک، قدرش قاعدی می شوند.

السبه به حقیقت پیوستن آبی، درد سر دارد بید زحمت کز زبانی داشت. خدا را شکر

و حق زحمت تقوی انفارتن در طمع کردن ز کائنات جدید

تقلن
۱۰-۳ (مَقَمَ لَسْعَبَا)

آرافش ذهن وحشی و مراقبه لازمست.

قانون جذب مثل جاذبه است که به طرف و غیر صحیح است. فقط هنگام سقوط می‌لویس که این خوب است

تفریح و لذت بردن از زیر نظر کردن افکار

احساسات را بر کنترل افکار است.

باید همیشه احساسات خوب داشته باشیم.

احساسات مانده می‌است که رسیدن افکار را در ذهن می‌کند.

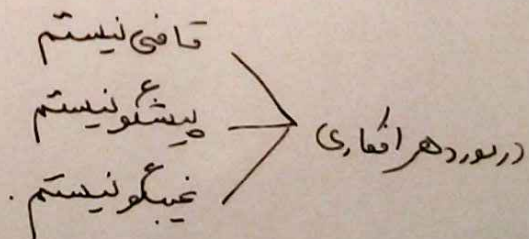
آخر راه احساس می‌کنیم لغیب خود ما می‌کنیم.

مشکل سلامتی لیلیه، خانوادگی و خوردم

تمرین عملی: چشم‌ها را ببندید، به احساسات درونی توجه کنید و یک *minute* تمرین کنید.

افکاری را که دوست نداریم باید محدود کنیم.

تمرین: تکنیک فوری از تفسیر دهنده‌ها راز برای تفسیر حال و هوا در روحم
شش بولتی، اثر هنری، خاطره، تحلیل آنست - مورد تشریح *maximize*



• عشق بالاترین زمانه است و قدرت را دارد .

• حتی اگر حیوان خاشی و جامدات عشق بپوزی به نحو احسن به زندگات وارد می شود .

کلمه : حسن باید بیغشم

انگار ناهمربانانه نسبت به کسی ← روی دارد در زندگی خودت

• باید در آن کار و اجرت را خوب بشوم
- کائنات مساعد و دستگیر است ، باشو است ، حامی من است ، عاشق من است

- امر است : در عین شرکت بویگ ، عمارت ۵ ، ۶ بیلو داری ، ماشین سکور

خانوار ابراهیم ، نفره تقاطع این راه ، کوهنوردی ، سیاحت

• زندگی خارج العاده و فوق العاده است . فقط کافیه از رازش استفاده نکندیم .

من سزاوار همه چیزهای خوب زندگی هستم .

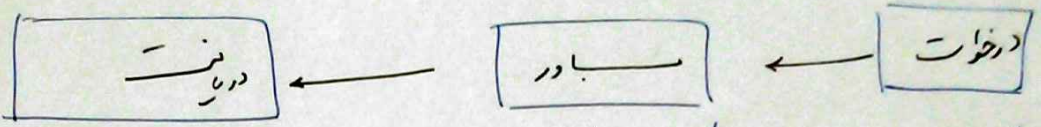
- اخطار : هر وقت حال دهنده را احساس می کنی به دارم ← خیزشهای کینما !!

باید به بیرون خارج شویم از این یورشون

خاطرات خوش آیند ، طبیعت ، موسیقی نور و عسله و
هزاران خاطره

دنيا غول چراغ جادو است و صمد، علامه الدين . فقط بايد در خوات نام به تعداد پنج نام است

کائنات ، مردم ، شرایط ، وقایع و ... در خدمت خواسته شما می هستند .



- ✓ آنچه با درخواست
- ✓ روی کاغذ بسیار درم
- ✓ کامله شاف
- ✓ کائنات من تا آنقدر گفته
- ✓ من کی بازاری جزایب

- ✓ آنقدر که لذت من تا خوات
- ✓ در اینست کرد ای
- ✓ لذت من لحظه سلق
- ✓ خوات شده است
- ✓ دریافت راحت باشد
- ✓ کسب مال کورت

- ✓ احساس می بر آورده است و حس خوبی داشته باش
- ✓ بادر عقلانی باید با بادر احساسی باشد
- ✓ این احساس خوب ، فرکانس دریافت است
- ✓ در این لحظه در این لحظه ... نشو فقط احساس کن

در این من چه چیزی که گفت من گفته تا این حس مذکور را ایجاد کنی ، هر کاری از دست بر می آید بکن

- ✓ من است که رسیده خاتمه راحت
- ✓ تا بول تو بس که دارم بگردم
- ✓ حق آتالیا را زود بگردم
- ✓ او خور با اید من شتم

توصیه من این است که این کار را با کلبه

باید دانم و نامم

- ✓ اگر بگویم من بس درازم بادر
- ✓ ضعیف می شود
- ✓ من بعضی ندارم گفت و در
- ✓ گفتن این خلق ما سعی ندارم
- ✓ همواره ترابیه و لذت بدارید

تکلیف ما نیستیم شخصی به کار میم

- ✓ نردی ندارد کل را . با بیخیم من ما شین در
- ✓ تکلیف نیست ۵-۶ ترا به دارم در دنیا
- ✓ پس برود
- ✓ فقط کام اذل را بردار

برای راز جسم **منه** عدم اضافه وزن

✓ عدم تمرز روی چاقی

✓ عدم تمرز بر کلفتی وزن

✓ **تمرز روی وزن دگنوا مهمان**

غذا باعث اضافه وزن نمی شود

نکرت که باعث چاقی می شود.

حالا سوزن کام
این سوزن

اول درخواست

درم بود

سوم درینت

تغاف

بصورت ذهنی از هکلی که فکوا

عکس دگنوا

در سرفه

از مین دارکمانی هکلی را

لیاس اولک ب زنجیر

افزاد هم سوزن را بیا بده با رنا

توجه کنس

بابر حس خوبی لبه خودت داشته باشی

از خودت و ذره ذره انعامت تصرف کن

حسی دانت دره تصددا خودلا به آن تمرز کنس

تمرز ← زبانه انطیسی

برنگه کرسی به قبله نمانده ام

حیثیت قول من کشته؟

هر دست نه با کائنات هماهنگ شوی!

هر آنچه به منوایی از قبل بوده فقط زمانت را روی آن بذار!

زبان من است. هم اکنون احساس داشتن را می‌توانی به هر آنچه باشد داشته باشی و آنش را می‌بینی.

کائنات زبان اندازه حالش نیست که دلار با یک میلیون دلار کمیات برایش، فقط تصور خودمان است.

حرف زدن یادوستی می‌دهد نه دست ندیدی که او را (در ذهنت محکم کن)

یادبودن جای پاک در کفهای شلوغ!

از قبل روز خودت را خلق کن (یا خرید، یا سفر، یا شغل یا هر چیزی برای تفریبات از بوسینه)

برای تمام آن یادبودنم بخورم پیش از اندازه دست دارم.

در هر جا هر کجا در نظر بسیار تمامی آنچه را می‌خواهی در زندگی آنست را

(لحظات روز صبح)

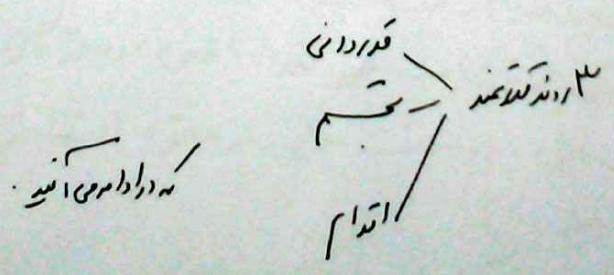
روندها قدرتمند :

الذکر بر روی صلاب و تطهیرات همسر - حکم بر خورباتا هجیای شود

ادفعا یعنی نیجه انظار توست . پیا مد و سمانده از انظار و اندام لذت است

میل شدید به سر تکی می کند تو را به آنچه نشناختی هستی
ترویج و انتظار را از اسبوی خورت می کشاند

قبحی کفری باز نیوی : یاد هم اوزی و سرور آرزو به ابروی چیزی بود که دولت نمی خواست
زمانشش پاک کن و زکاتش جدید تولید کن در هم کوفت نوع
رکوز در نیست



راز ارتباطات :

- انکار، آرزو، احساسات راز ← آشکار می شوند
- مثال کار بردن معرف در بلوغها ناشی می شود مختلف از زنان هم بخش و نسبت گرفته در مردان
- در سه کار بردن برعکس کردن معنوی را

□ باید حواسمان باشد اقدامات ما با خواسته درونی ما در تضاد نباشد.

□ همون اقدام جالب جای خواب مسخ !!!
جای خواب هم
جای پارک ماشین
جای کمد لباس

□ آدم به گونهای که ...

خودت را در یاد :

با خوات جوی رفتار کن که دوست داری سایرین یاها را اینطور رفتار کنند.
 رفتار با عشق را اقوام و محبت نسبت به خود
 از خود گذشته ای صحت است صفت نقد آن محض، و به حد کافی برای کسی وجود ندارد.
 عاشق خوات باش، دوستت بدار، نوهاتو، استعدادتو، رشته تحصیلتو ...

(همه چیز ...)

دوایر خوب را بگرد و بساز کن و بساز

که امر خوات را دوست بداری خود بخود دیگران را هم درست میداری

در روانی با آدمهای دیگر کلمه رفتاری را بکاریم کنار

حواسمان را از آنجایی که دارند موجب قدرانی است بگذاریم (حق میگویم یا ددا)

روز قدر محمد قدر دانی :

تمرین : حکیم دکنی در مورد لست بی شکی گزاری و قدر دانی

احساس قدر دانی روشی گزاری از خداوند .

شکی نعمت ، نعمت است از شک کند .

از اول صبح انگشتان را بکشید که زانها بر خاستن از خواب . صبح می کند (لقبوت روزانه)

روز خواب را ، خواب غلط کنید .

حق برای چیزها نزن بوار و مثل بافتن جای پارک

در باره هم بلائوق بون ، جسم هایی که می بینند ، گوش هایی که می شنوند ، ریه ها برای تنفس کردن .

همه اش را مع خورشید هم در خدا شکر می کنیم (هر آنچه که در دنیا بخواند)

بابت چیزی که انکار از قبل دریافت کردی خدا را شکر کن .

ایجاد انفا را احساس آن
هر صیغه مقولاً قولاً
بمعنی ظاهر می گرداند
ذکر نمی تواند فرقی بگذارد.

همیشه و محضاً اوری تقاریر عجبی انگشت بگذارم

!!! بهترین ما : دست بپشت دست با آخیزت ریزش + تن چپا در تن من از تو بس
تس از

احساس جوری است که تپله آنرا داشته ای

تجم + احساس دفورنمت + لذت و عشق

احساس با آقا وجود که در آن تشبیه ای

~~ای لاش~~ ~~اوی~~

آه، هوشی و سرخسری دهان تری را با کلمات ایجاد می کنند.
کمیته های رفیق ما نیست

بارد صیرا به دست را باشد نه به صورت کارشاق باشد

تجم ماتب لخته حتماً فکر باشد. با احساس مثل سری آب بگری در بحال آتش خانه

تعدادت افزه ادب و تمدن با غیر ادب
در استقامت - مدارم از زمانه کجاست
کائنات از زمانه کامل خیر دارند

۲ داستان - علاقه با باب بردن همسایه
در خانوادگی نماز در دینی لند

آرشیو در دینی زمانه کجاست
بوی پس از این بر است و رفت می کند

دیت کرد و صفحه رو با عا به (تجسم همه چیز است)

کتابه شیزو جانت اسراف

لعدنیت کرده که قدر داناری به عوفشتان کنش

خانه معدود نظر عکس ، نوشتن آوری با عکس خندین بار با اسم خودم

کتابه با جزئیات در روش

پس فکرم کن + باور من مستور ناله باشی

+ لیاقتش را داری

+ عملی هست

از زمانه جدید دقیقه مراقبه به قدر دان کن گذر خدا

لذت ببر و

اعمال کنش

راز بول :

تسن چپا رانگار که اسیدی

secret است

چپ - ۲۰۰۰ دالری در سال که در دست

حواس : به بول به حد کافی نداری به به بختی نمی گویای شود

بر عکس - به حد کافی داری

تخیلت رانگار بیان از و با در کن بوی رانگار نمی گویای از تن داشت : خیلی سگرم گفته است

دخوات رفت را جذب کن

دخوات رفت در دست را بپوش در زلفت
سرد کن و نور نغمی که سبوت سرازیری شوند

میان هر آنچه نمی گویای : احساس نشاد بود دلالت بر کن و داشتن حال رطوبتی آن است

همه ز بر نیکنی

باز : طرف ببرد آن از زیر باید بکاری به غلط است
چون تمیز بر بدهکاری شده است زخمی کند به کلام هبت باشد

راهی برای کن حسن خوب پیدا کند

تا ۳۰ روز آینده : در مورد هر چیزی که می بینی اش یا صحبت می کنی حتی بوسه زدن را هم
چک کن : تو با ما می باشی و آرام ، نسوا نم آزار می خوره بگویند .

که اثر قدرت مانع نداشته ام بعد مغز و نامرئی اش را اول معطل کرده بودم
تو بازی : ذراتی که از اتم ها صحبت و ذراتی که با برده های این انداز تصور نام و تازه به مغز
هم حبه های بزارم و مراقبت نام .
سوزنم در دستم هم یاد داشت نام این عمل در اینت حارا

بندید : بول راحت بست می آید

دو هفته تدریسی یاد می بردن با دست چیزهای که سوزنم داشته باشم

بول بده تا بول بگیری

مخش و اهدای بول

آنچه باید : کاری درونی است و عوامل بیرونی نمی باشد

برای چشم ، استخوان ، عصب ، قدرت ، مایه زرد رنگ مایه زرد رنگها است . بودند

گردنم + مغز

راز سلامتی :

حجم حاصل انکار است

همترین عامل شفا بخشی : ذهن

تفکر تندرستی کامل بود توجه به انتم در اطراف چه می گذرد و بفرجه حضور می رود در دو خود انباشته شود.

خود را در اختیار احساس و خود را نغمه ترارد کنید.

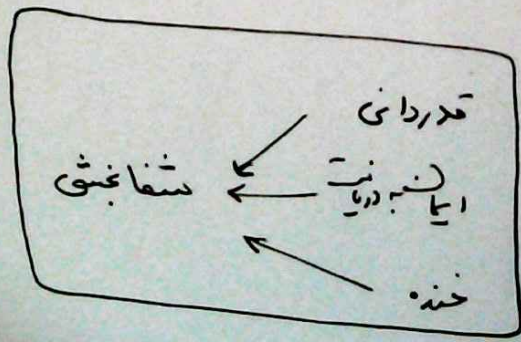
فکر نفس سر آغاز می زنجیره فولان است و بر عکسش هم همینطور (فکر مثبت)

علامت نشانها بیماری فیدایی است که بعد نامتوازن مایل شخص می کنند.

عشق و قدر دانی تمام فقرها را بر طرف می کند.

خنده همترین دارر است. الشیرل هم همینطور

C.P = سرکالین : اعتقاد به شفا یافتن از قبل روشی تدریسی رندانی اثر بسیار دارد
نیلم مهدی - خنده خنده خنده
جبرکهای نه اول



کھنوم سے ذہن تحریر کرنا کتنا آسان ہے

پھر اس کے لئے (ان کے صفحے تفسیر) اس کے شروع میں

۱) کھنوم کے بارے میں

۲) خندہ

۳) ان کے بارے میں

کھنوم کے کھنوم، کھنوم کے کھنوم، کھنوم کے کھنوم

کھنوم کے کھنوم کے کھنوم کے کھنوم

کھنوم کے کھنوم کے کھنوم کے کھنوم

وضعیت روحی و عاطفی سالم باشد ← بیماری جایگاه ندارد.

بند Replacement دارد : روزانه چند ماه می‌دهد

دری جز بیماری سالها ماند ؟ علت نوی توجه دستمیز

انفار رطلوب درسم بپور را

عقل : افت غنیزگی بدغم

✓ من انکار عالی و رطلوب دارم . من کامل هستم

دغدغه بپوری / تمیزی بد عالی ، جسم عالی ، دین (نخوا) ، جوانی کبری

دگرخواستن به بیماری تو هست . تو اگر خواست باشه سلولها بیمار بیشتر می‌سوی خودت جلب می‌کنی

حرف از بیماری نزنید . برعکس : چیزها برعکسش نمی‌کنید و حرف نزنید و خدا را شکر باشد

سراپت بیماری : امانت بر نیست گوایه دعوتش کنی (نمی‌کنی که امانت بر است)

رازها

نقشه مهم: اگر توجه به چیزهاست که نمیخواهیم داشته باشیم

شکر، کینه، فقر، مواد مخدر، تروریسم، خشونت...

با استفاده از نیروی دانه‌ها را به آن افزودیم. محبت‌ها را هم با آن تکریم کردیم
 و بیشتر مسیّر در واقع آن است که با جملات تکریم، بهتر خلق می‌کند. و آن را جذب
 می‌کنیم.

هرگز در مدار رفتن دنیا به او استیانت در دنیا زندگی خودمان

حتی تا mm8050 - جابجایی باید علامت از دردت از طریق انفرادی است خلق کنیم
 در سال کنیم.

نیاز برای جنبش ضد حبس ^x جنبش ضد مواد مخدر ^x

بجای رکنی دققی ← طرفدار سیری

بجای رژیم نظامی ← رژیم صلح

و ضد استعمار ← طرفدار برعکسش

سین

بیشتر دیدار دارد زنده‌هاست می‌کند

کسی نمی‌کند

ش حکومت = روند قبلی ام

رفیقا جهانی : تو قدرت جهانی داری . نمرز این روی است مردم که در نور نعت لذت
در مانی و آزادی هستند علیه غم هر آنچه در المانان می گذرد .

رفدانه ها و اخبار هم به پیغمبر هستند حواس : شاید نمرز ما با چه چیزهای بیغور می آرند .

ساکت و آرام ، حواست را از آنچه نمرزهای دمام با عافیتش را منحرف کن

کب کبیب بانی ما به برده هستند در حقوا . تو نیستی پس در این

نمرز جدیدین ، حواس ، شکر باش

از هر نفسی لب از خواتم هر کس وجود دارد
عشق ، لذت ، حلاوت ، قدرت

حالم به سار از نور نعت است

به بخش نوایی ، در کن ، احساس کن و با در کن

اجازه نده . محمد دست دارد شود .

ذهن ماهیتی به نهایت دارد .

مانند آنیم زندگی دیگر را خلق کنیم. اگر زودتر بخواهیم عقده‌ها را تحمل کنیم صد فایده‌ها
شاید سوی خودمان جذب می‌کنیم.

□ تبعض در کار نیست. کار است که چه چیز را همه می‌طلبند فقط قدرت خود را با یادگیری در دست کنید.

□ خیر در برکت با همه چیز است که در دور درت هستند بخوابید
عبارت‌های سلاخی را در زمانی
عشق

تو در این دنیا
سوی خودت بر می‌گرداند.

راز تو :

بهر چیز جزبه از کل است و ماهیت همه چیز اثری است که با آسانوس، هست تو که اثری که بودند، هستند و خواهند بود.

تا اثری که کنی در زمان کی خاصی به نقش می‌کند زیرا که اثری ما را انفراد احساسات کنی یعنی می‌کنند بنابراین بر طبق این ارتباطات

- ۱- ما مقادیر توی هستیم (توی ترین دکل غلبرای کن)
- ۲- خوات و بسوی هر چه مقواهی، اثری زامی کنی
- ۳- هر چیزی را به سوی خوات اثری زامی کنی

و بیان برای ظاهر کن خوات است : توجه کن به هر آنچه مقواهی یعنی حقیقت کف

کائنات کن سیم بر هستند و تی زلف با کائنات ارتباط برقرار کرده اند تا آنجا که آزاد نیست می‌کند که کن کن حوزه اثری ابدی هستیم.

خلاصه اش همه توحید خوات است
رتابت یعنی ندارد
همه به هم مرتبط هستیم

کفانه زلفش عالم :

ترکذتہ ات نیسی — منایع شکر ایشہ ام ...
لیان ...

محمد خورت را متوجہ من چیز کن کہ نیواھی

من جوان قوی شوم ...

قدرت در رک تولد قدرت جہک بزرگ تر است

حکایت تألیفی: من انانی تمام عیار، اندر محمد، قوی، درست داشتی، ہمدل و ہمدن
و شاد ہستم.

درد فرزند نام: —

ما سقمی نداریم، ما محدودیم.

کل قدرت تو ہے آگاہی لذائی قدرت ہے حفظ آمان در شعور و نیمی آگاہت است.

نہیں از انصارت آگاہ باش

خوبی خسی ہم است

مہر حفظ (حرفوں انوری سہا بنی) ہر ہم
حالا در چہ نوری ہستم؟
مہ حال رحمتی دارم؟

خود را دوست داشته باشم
به بعد نفوس ما آنچه کنیم به تداوم در دنیا
عشق بوزرم به خود را در دانه کنیم بخاطرش

ماها از خود خسته هم است
جوابها از انانها بشارت آید ابراهیم در نیت می کنیشتا

را زحمت :

خط شی کلیات را خود تعیین می کن
کافذ کیفیت آماده است . هر آنچه از گذشت بخواه پاک کن از اسرار شرح کن

هر کاری اگر لذتی برایت نداشت انجامش نده .

کاری را که دوست داری انجامش بده . اگر نه دانی چیه بپس از خودت .

شادی درونی محرک موفقیت است .

دنبال در عشق ، شادی ، محبت - زرق و شوق باش لغیبت رفدانه

تصور کن چیزهای خوبی را که در آن زندگی کن هستی

جلال دشمن خودت را بپذیر

در همه چیز برای تو هست لذت باش خواهی ، گزشتن زمین را و از پرندگان ...

آه آه -

۹۸ ، ۱ ، ۲